تحلیل

رونمایی از ۲ پیام مهمِ ازسرگیری روابط دیپلماتیک ایران و عربستان؛

بلوک چین یعنی جدی‌تر شدن دوران تازه

سامان سفالگر / گروه بین‌الملل
news@naslefarda.net

پس از سفر اخیر ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور کشورمان به چین (در بهمن ماه) و متعاقباً سفر علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان به پکن و انجام رایزنی‌های ۴ روز با همتای عربستانی خود با میانجی گری جمهوری خلق چین (از تاریخ ۱۵ تا ۱۹ اسفندماه)، بالاخره ایران و عربستان سعودی در تاریخ ۱۹ اسفندماه، از اراده جدی و رسمی خود جهت ازسرگیری روابط دیپلماتیک و حصول توافق در این زمینه خبر دادند. در این راستا، ایران، عربستان و چین در قالب یک بیانیه مشترک بر ضرورت فراهم‌ساختن مقدمات عادی سازی روابط تهران و ریاض در قالب‌هایی نظیر بازگشایی سفارتخانه‌ها و مراکز دیپلماتیک در خاک یکدیگر، ظرف ۲ ماه آینده تاکید کرده‌اند. توافقی که پس از دو سال رایزنی‌های جسته و گریخته ایران و عربستان با تحرکات میانجی‌گران بین المللی، بالاخره در پکن رنگ واقعیت به خود گرفته و البته که بلافاصله پس از مطرح شدنِ رسمی آن نیز، بازتاب‌های گسترده بین المَللی را دریافت کرد. با این همه، این تحول مهم حامل ۲ پیام راهبردی نیز است که توجه به آن‌ها کاملاً ضروری است.

اولاً، میانجی گری موفق چین در زمینه تسهیل روند عادی سازی روابط تهران و ریاض، حاکی از این مساله است که وزن کنشگری چین در قالب معادلات کلان منطقه خاورمیانه در حال افزایش است. مساله ای که در عرصه میدانی عملاً با کاهش وزن طرف آمریکایی همراه است. در این راستا، رایزنی‌های گسترده چند ماه اخیر چین با ایران و به ویژه کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و در نقطه مقابل، فاصله گرفتن کشورهایی همچون عربستان سعودی از رویکرد رسمی آمریکا به منطقه خاورمیانه، همه و همه حاکی از شکل گیری چرخش‌های قابل توجه در زمینه رقابت و حضور قدرت‌های بزرگ جهانی در چهارچوب معادلات مهم سیاسی منطقه خاورمیانه هستند. مساله ای که البته تا حد زیادی همسو با تغییر تدریجی کریدورهای قدرت جهان از غرب به سمت شرق نیز ارزیابی می‌شود و جدای از ایران، کنشگری همچون عربستان سعودی نیز که سال‌ها متحد راهبردی آمریکا بوده است هم این موضوع را به خوبی متوجه شده است.

مساله ای که جدای از اراده ریاض جهت عادی سازی روابطش با تهران از مجرای چین، پیش‌تر نیز در قالب‌های مختلف از جمله گرایش عربستان به توسعه مناسبات نظامی‌اش با پکن و البته همراهی‌های عربستان با روسیه در زمینه مسائل انرژی در بحبوحه جنگ اوکراین و اوج گیری بحران انرژی جهانی نیز خود را نشان داده است. از این منظر، باید انتظار گسترش بیش از پیش دامنه اقدامات و تحرکات سیاسی و دیپلماتیک چین در منطقه خاورمیانه را در آینده داشته باشیم.

دوما، تنش زدایی از روابط ایران و عربستان و احیای روابط دو کشور، می‌تواند برای منطقه خاورمیانه و منازعات سیاسی و امنیتی آن نیز حامل پیام‌های مثبتی باشد. در این راستا، به طور خاص انتظار می‌رود که روند بحران‌های سیاسی در کشوری نظیر لبنان که هم ایران و هم عربستان در آن وزن قالب توجهی جهت اقدام و کنشگری دارند، رو به ثبات پیش رود و اوضاع اقتصادی این کشور که چندین ماه است با بحران حاد اقتصادی دست به گریبان است هم بهبود یابد. از همه مهمتر، انتظار می‌رود که جنگ یمن نیز در آینده نزدیک عملاً به نقطه پایانی خود برسد و به طور خاص نفوذ ایران بر حوثی‌های یمنی زمینه را جهت تحقق این سناریو کاملاً فراهم سازد.

در مورد عراق، سوریه و دیگر مسائل مهم راهبردی نیز (در منطقه خاورمیانه)، شانسِ تخفیف تنش‌ها بسیار بالاست و احتمالاً خاورمیانه در روزها و ماه‌های آتی، شرایط باثبات‌تری را دنبال خواهد کرد. در این فضا، نکته مهم این است که باید توجه داشت بهبود روابط ایران و عربستان، دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای زیادی دارد و هم تهران و هم ریاض، باید تدابیر لازم در این رابطه را از طریق ایجاد کانال‌های ارتباطی فوری و تعریف سازوکارهای مدیریتِ اختلافات، بیندیشند و از بحرانی شدن مجدد روابط متقابلشان که می‌تواند پیامدهای منفی گسترده‌ای را برای کل منطقه خاورمیانه داشته باشد، تا جای ممکن جلوگیری کنند. نباید فراموش کرد که اصلی‌ترین بازندگان احیای روابط ایران و عربستان، رژیم اسرائیل و آمریکا و متحدان بین‌المللی آن‌ها هستند و بدون تردید آن‌ها بیکار نخواهند نشست و دست به هر کاری در ادامه راه خواهند زد تا بار دیگر تنش و بحران را در روابط متقابل تهران-ریاض برقرار سازند.

رئیس سازمان انرژی اتمی:

باید به سمت حذف آلاینده‌ها پیش رویم

رئیس سازمان انرژی اتمی با تاکید بر اینکه باید به سمت حذف آلاینده‌ها پیش برویم، گفت: سازمان فناوری‌های هسته‌ای گسترده و پرکاربردی برای حفاظت ازمحیط زیست دراختیاردارد که می‌تواند با حمایت مسئولین هرچه سریعتربکارگرفته شود. تفاهم‌نامه همکاری سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان انرژی اتمی با موضوع اصل ۵۰ قانون اساسی به منظور ایجاد و گسترش زمینه‌های مناسب همکاری مشترک و بهره‌مندی از فناوری هسته‌ای در حفاظت از محیط زیست توسط روسای سازمان انرژی اتمی و حفاظت محیط زیست امضا شد. محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی در این مراسم با بیان اینکه حفاظت از محیط زیست یک تکلیف فردی و اجتماعی است گفت: بر اساس اجلاس پاریس مقرر شده است که در سال‌های آینده استفاده از کربن در دنیا به صفر برسد و بطور قطع این مسئله و تصمیم در سطح بین‌المللی به لحاظ سیاسی به ما هم فشار خواهد آورد. از این رو ضروری است تا به سمت حذف آلاینده‌ها و استفاده از انرژی پاک هر چه سریعتر پیش برویم. وی همچنین در مورد استفاده از معادن اورانیوم در کشور و رعایت مقررات حفاظت از محیط زیست در اطراف این معادن گفت: سازمان انرژی اتمی طبق ضوابط کار استخراج از معادن را انجام می‌دهد و تمام معادن ما با پیوندهای زیست محیطی کشور مطابقت دارد. اسلامی درباره فناوری‌های هسته‌ای پر کاربرد در حفاظت از محیط زیست به فناوری پلاسما اشاره کرد و گفت: ما از این فناوری در حوزه‌های مختلف از جمله پزشکی بسیار کم استفاده کردیم اما گام‌های خوبی در کشور برداشته شده است. همچنین این فناوری برای مدیریت شیرابه‌ها بسیار مورد استفاده است و در توافق سه جانبه‌ای که با سازمان محیط زیست و وزارت کشور چندی پیش داشتیم قرار شد در یکی از نقاط بحرانی کشور از این فناوری استفاده شود. همچنین سازمان انرژی اتمی در رابطه با سولفور زدایی فناوری پرکابرد در اختیار دارد که می‌توان از آن استفاده کرد. استفاده از شتاب دهنده الکترواستاتیک از جمله دیگر فناوری‌هایی است که در پالایشگاه‌ها و نیز تصفیه پساب‌های صنعتی استفاده کرد.

واکنش نیویورک تایمز به توافق ایران و عربستان با میانجیگری چین؛

این توافق نشانه به حاشیه رفتن آمریکاست

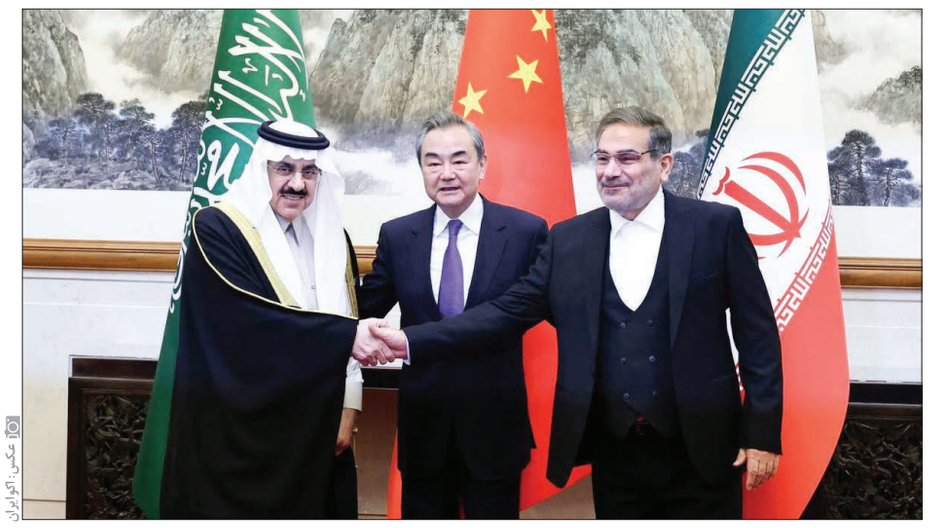
عکس: اکو ایران

توافق اخیر بین تهران و ریاض برای ازسرگیری روابط دیپلماتیک با میانجیگری پکن، در کانون توجهات رسانه‌ها و محافل سیاسی جهانی قرار دارد و بسیاری از تحلیلگران این توافق را نشانه‌ای از ورود صریح دولت پکن به معادلات جهانی و همزمان نشانه‌ای از افول جایگاه سابق ایالات متحده آمریکا در جهان می‌بینند. به گزارش عصرایران، در حالی که بسیاری از محافل محافظه کار در داخل ایالات متحده آمریکا به بهانه تحول اخیر در روابط تهران و ریاض نوک تیز حملات خود را متوجه دولت بایدن کرده‌اند، اما در قابی بزرگ‌تر بسیاری از تحلیلگران در غرب و شرق عالم ورود چین به عرصه نظم بخشی به معادلات سیاسی منطقه غرب آسیا را از نشانه‌های مهم تغییر نظم جهانی می‌دانند.

روزنامه نیویورک تایمز آمریکا نیز در مطلبی به این گشایش دیپلماتیک در روابط سیاسی تهران-ریاض با میانجیگری پکن واکنش نشان داده و این تغییر بدون حضور و نقش آفرینی واشنگتن را چالشی جدی و جدید برای دولت ایالات متحده دانسته است.

در این مطلب آمده است: توافقی که در پکن برای احیای روابط بین عربستان سعودی و ایران مورد مذاکره قرار گرفت، نشانه‌ای از تغییر موقت ائتلاف‌ها و رقابت‌های معمول بود که واشنگتن را در حاشیه قرار می‌دهد.

سرانجام، یک نوع توافق صلح در خاورمیانه به دست آمد. اما این توافق نه بین اسرائیل و اعراب، بلکه بین عربستان سعودی و ایران- رقبای متخاصم دهها ساله در منطقه- و نه با میانجیگیری ایالات متحده بلکه توسط چین انجام شد.

این یکی از بدترین تحولاتی است که هر کسی می‌توانست تصور کند، تغییری که باعث شگفتی پایتخت‌های سراسر جهان شد، چون به نظر می‌رسد اتحادها و رقابت‌هایی که برای نسل‌ها بر دیپلماسی بین المللی حاکم بوده است، در حال رنگ یاختن و از بین رفتن است.

آمریکایی‌ها که در سه ربع قرن گذشته از بازیگران اصلی خاورمیانه بوده‌اند و تقریباً همیشه یکی از پای ثابت‌های اتاق‌های اتفاق برانگیز در این منطقه بوده‌اند، اکنون در یک لحظه تغییر چشمگیر خود را در حاشیه می‌بینند. چینی‌ها که سال‌ها تنها نقشی فرعی در منطقه داشتند، ناگهان خود را به یک قدرت بازیگر جدید تبدیل کردند و اسرائیلی‌ها که منتظر عادی سازی روابط با سعودی بودند اکنون انگشت تعجب بر دهان می‌گزند که ریاض چطور آنها را وسط کار جا گذاشت!

امی هاثورن معاون مدیر تحقیقات در پروژه دموکراسی خاورمیانه - یک گروه غیرانتفاعی در واشنگتن - گفت: «بله این یک معامله بزرگ است و هیچ راهی برای دور زدن آن وجود ندارد. ایالات متحده نمی‌توانست در حال حاضر به طور خاص با ایران چنین توافقی را میانجی گری کند، زیرا ما هیچ رابطه‌ای نداریم. اما در یک مفهوم بزرگ‌تر، دستاورد معتبر چین آن را از نظر دیپلماتیک به قطب جدیدی تبدیل می‌کند که بر هر چیزی که ایالات متحده از زمان روی کار آمدن بایدن در منطقه به آن دست یافته است، برتری دارد.»

کاخ سفید علناً از برقراری مجدد روابط دیپلماتیک بین عربستان سعودی و ایران استقبال کرده و هیچ نگرانی آشکاری در مورد نقش پکن در نزدیک کردن این دو کشور به یکدیگر ابراز نکرده است.

تحلیلگران مستقل گفتند که هنوز مشخص نیست که نزدیکی عربستان و ایران واقعاً تا کجا پیش خواهد رفت. پس از دهه‌ها رقابت گاهی خشونت‌آمیز برای رهبری در خاورمیانه و جهان اسلام، تصمیم برای بازگشایی سفارت‌خانه‌هایی که در سال ۲۰۱۶ بسته شدند، تنها اولین قدم است.

این بدان معنا نیست که سنی‌های ریاض و شیعیان تهران همه اختلافات عمیق و درونی خود را کنار گذاشته‌اند. در واقع، با توجه به اینکه یک جدول زمانی محتاطانه دو ماهه برای بررسی جزئیات تعیین شده است، می‌توان تصور کرد که این توافق جدید برای مبادله سفرا در نهایت ممکن است اجرا نشود.

بر اساس آنچه سعودی‌ها به آمریکایی‌ها گفته‌اند، کلید این توافق، تعهد ایران به توقف حملات بیشتر به عربستان سعودی و محدود کردن حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی است که این پادشاهی را هدف قرار داده‌اند. ایران و عربستان سعودی عملاً یک جنگ نیابتی ویرانگر را در یمن انجام داده‌اند، جایی که شورشیان حوثی همسو با تهران (جنبش انصار الله یمن) به مدت ۸ سال با نیروهای سعودی نبرد کردند. آتش بسی که با حمایت سازمان ملل و دولت بایدن در سال گذشته انجام شد تا حد زیادی خصومت‌ها را متوقف کرد.

سازمان ملل اوایل سال گذشته تخمین زد که بیش از ۳۷۷ هزار نفر در طول جنگ بر اثر خشونت، گرسنگی یا بیماری جان خود را از دست داده‌اند. همزمان، حوثی‌ها صدها موشک و پهپاد مسلح به عربستان سعودی شلیک کرده‌اند.

عربستان سعودی سال‌ها به دنبال کاهش خصومت‌ها با ایران بود، ابتدا از طریق مذاکراتی که در بغداد برگزار شد که در نهایت به جایی نرسید. مقامات دولت بایدن گفتند که سعودی‌ها در مورد مذاکرات پکن به آنها اطلاع داده‌اند، اما آمریکایی‌ها نسبت به پایبندی ایران به تعهدات جدید خود تردید دارند.

محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی و رهبر واقعی این کشور که روابط قوی با ترامپ داشت و به تأمین مالی ۲ میلیارد دلاری برای شرکت سرمایه گذاری که توسط جرد کوشنر، داماد ترامپ تأسیس شده بود، کمک کرده است؛ از زمانی که بایدن روی کار آمده، یک بازی پیچیده دیپلماتیک انجام داده است.

بایدن که پیشتر وعده داده بود عربستان سعودی را به دلیل توطئه قتل خاشقجی تنبیه خواهد کرد، در نهایت سال گذشته با اکراه پذیرفت که به دلیل چانه زنی برای قیمت نفت در بازار جهانی راهی ریاض شود اما سفر او با موفقیت همراه نبود و دستاوردی نداشت.

بایدن و تیمش اما پس از این سفر خشمگین شدند، از نظر آنها، سعودی‌ها بعدها توافق اعلام نشده‌ای را که در آن سفر به دست آمد زیر پا گذاشتند و پاییز گذشته تولید نفت را محدود کردند تا قیمت آن را بالا نگه دارند. مقامات ایالات متحده بر این باور بودند که بن سلمان در کنار ولادیمیر پوتین، رئیس فدراسیون روسیه است و بایدن دولت ریاض را به «پیامدهای» نامشخصی تهدید کرد، اما بدون تحمیل هیچ گونه اقدامی عقب نشینی کرد.

اکنون ولیعهد سعودی به چینی‌ها روی آورده است. استیون اِی کوک کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه در شورای روابط خارجی، می‌گوید: «بعضی از مردم خلیج فارس به وضوح قرن حاضر را قرن چین می‌دانند. سعودی‌ها برای پیوستن به سازمان همکاری شانگهای ابراز علاقه کرده‌اند و مقدار زیادی از نفت آنها به چین می‌رود.» این تحلیلگر بازی شاهزاده محمد بن سلمان را با رویکرد جمال عبدالناصر رئیس جمهوری فقید مصر مقایسه می‌کند که در طول جنگ سرد سعی کرد بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی بازی کند. کوک گفت: «در واقع این سیاست آنطور که ناصر امیدوار بود کار نکرد و در مورد بن سلمان می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد.

نقشه بزرگ حکام سعودی با اجرای برنامه «همبستگی اعراب با سوریه»؛

ریاض برای دمشق برنامه ویژه دارد

سفر مقامات عربی به دمشق تحت عنوان «همبستگی اعراب با سوریه» حکایت از آن دارد که کشورهای عربی به ویژه حکام سعودی برنامه‌ای خاص برای سوریه دارند. به گزارش تحریریه، تارنمای «عربی‌پست» طی مقاله‌ای به قلم «فاضل_المناصفه» به موضوع روابط سوریه و رژیم‌سعودی پرداخت. این تارنما با اشاره به سفر مقامات عربی به سوریه تحت عنوان «هم‌بستگی اعراب با سوریه»، تأکید کرد این سفرها نشان می‌دهد کشورهای عربی برنامه‌ای برای سوریه دارند. نویسنده افزود آن‌چه این انگاره را تقویت می‌کند، نکته مهمی است که تارنمای فرانسوی «اینتلیجنس_آنلاین» از آن پرده برداشت. این رسانه مدعی شد تلاش‌هایی برای برقراری روابط بین سوریه و رژیم‌سعودی در حال انجام است؛ به‌ویژه این که سوریه در حال فراهم کردن مقدمات سفر وزیر خارجه رژیم‌سعودی به دمشق در روزهای پیش رو است.

نگارنده سپس تأکید کرد ممکن است این سفر اعلام برقراری مجدد روابط سیاسی (دیپلماتیک) بین سوریه و رژیم‌سعودی به‌طور رسمی باشد. هم‌چنین نشان‌دهنده این باشد که رژیم‌سعودی با بازگشت سوریه به میان اعراب موافقت کرده. با این حال، سؤال این‌جاست که نقش ایران در این‌بین چیست؟

طبق این مقاله، بحث در مورد برقراری روابط رژیم‌سعودی با سوریه بعد از زلزله_سوریه مطرح نشده؛ بلکه پیش‌تر نیز صحبت‌های زیادی در مورد آن شده بود. اظهارات وزیر خارجه رژیم‌سعودی در نشست_امنیتی_مونیخ نشانه‌ای مهم بود که میزان تمایل آن به برقراری رابطه با سوریه را نشان می‌داد.

از منظر نویسنده، روابط نزدیک روسیه و رژیم‌سعودی که به بهای اختلافات عمیق آل‌سعود با رژیم آمریکا و موضع‌گیری واشنگتن در قبال اتفاقات یمن تمام شد، رژیم‌سعودی را وادار کرده که به‌سمت گشودن فصلی جدید از روابط با سوریه حرکت کند. این امر به‌منزله چالشی آشکار برای طرح آمریکا در منطقه است و پیامی آشکار دارد مبنی بر این‌که رژیم‌سعودی تصمیم گرفته وارد اردوگاه روسیه شود. نزدیک شدن رژیم‌سعودی به سوریه نشانه روشنی است بر این‌که اختلافات ریاض با واشنگتن ادامه دارد و رژیم‌سعودی روسیه را به‌عنوان شریک جدید خود انتخاب کرده.

این تارنمای قطری خاطرنشان کرد رژیم‌سعودی برای نزدیک شدن به سوریه با موانع بزرگی روبه‌رو است. یکی از این موانع، تصور ریاض از راه‌حل سیاسی در سوریه و لزوم اجرای قطع‌نامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان‌ملل است.

این قطع‌نامه به‌دنبال دست‌یابی به راه‌حل سیاسی دائم در سوریه از طریق باز کردن راه برای نظام_چندحزبی واقعی در این کشور است تا به تغییر_نظام حاکم منجر شود. این امر نیازمند بازنگری است؛ زیرا دولت «بشار_اسد» با کسی که خواهان رفتن اوست، دست دوستی نمی‌دهد. مشکل دیگر آن است که ایران یکی از طرف‌های این معادله است و نفوذش از عراق شروع می‌شود و از طریق سوریه تا لبنان ادامه می‌یابد. این‌جاست که رژیم‌سعودی شرطی سخت برای «بشار اسد» می‌گذارد. سوریه باید به‌منظور تسهیل نزدیک شدنش به محیط عربی و نشستن دوباره بر صندلی خود در نشست آتی «اتحادیه عرب» که در ریاض برگزار خواهد شد، از جمهوری اسلامی ایران فاصله بگیرد.

نگارنده تصریح کرد بعید است سوریه با پیش‌نهاد رژیم‌سعودی که به ضرر ائتلافش با ایران است، موافقت کند؛ به‌ویژه این‌که بازگشت به «اتحادیه عرب» چندان «بشار اسد» را وسوسه نمی‌کند.

از دیدگاه دمشق تا زمانی که «اتحادیه عرب» در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی نقش مؤثری ندارد، این اتفاق به از بین بردن انزوای سوریه و لغو مجموعه تحریم بین‌المللی علیه این کشور کمکی نمی‌کند. افزون بر این‌که برخی کشورهای عربی بدون این‌که نیازی به اقدام مشترک اعراب باشد، حاضر به پذیرش سوریه‌اند. دست‌یابی دمشق و ریاض به راه‌حلی میانه نیز بعید است؛ مگر این‌که تهران با دادن امتیازهایی در طرح کنونی خود در لبنان، به نفع «بشار اسد» عمل کند. بنابراین، احتمال نزدیکی سوریه و رژیم‌سعودی هم‌چنان ضعیف است؛ مگر این‌که جمهوری‌اسلامی نظر دیگری در این مسأله داشته باشد؛ چراکه در تهران در مورد سیاست‌خارجی سوریه بحث می‌شود!

حضور کاترین میدلتون همسر ولیعهد انگلیس در یک رزمایش امدادو نجات نیروهای «آیریش گارد» انگلیس.
منبع: رویترز

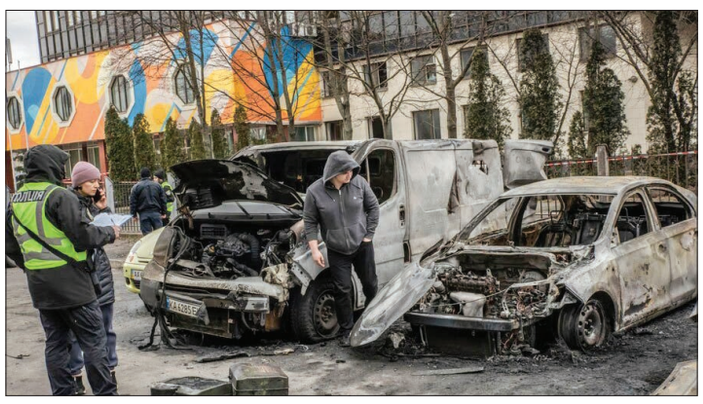
حملات موشکی روسیه به زیرساخت‌های پایتخت اوکراین.
منبع: گاردین

سرمقاله

ادامه از صفحه یک

یکی برنامه‌های این شبکه ادعا کرده بود که می‌تواند برای عناصر آشوب در داخل اسلحه تهیه کند! این شبکه ماهواره‌ای علاوه بر آموزش اقدامات مسلحانه به پروژه تجزیه ایران را عادی‌سازی کرده بود. بنابراین اعتراض ایران نسبت به حمایت عربستان از شبه‌رسانه ایران اینترنشنال به حق بود و قطع به یقین باید این موضوع حل و فصل می‌شد که منجر به یک توافق پایدار در دیپلماسی دو کشور شود.

انتقال دفاتر شبکه ایران اینترنشنال از لندن به واشنگتن

اواخر بهمن ماه بود که شبکه اینترنشنال با انتشار یک خبر ویژه اعلام کرد که کلیه دفاتر پخش ۲۴ ساعته خود را به دلایل امنیتی از لندن به آمریکا انتقال خواهد داد. شرکت ولنت مدیا وابسته به عربستان مالک ایران اینترنشنال نیز قبل از بسته شدن دفاتر و استودیوهای این شبکه در لندن، مجوز فعالیت آن را به نهاد ناظر رسانه‌ها در انگلستان (آفکام) پس داد و عملاً از خود سلب مسئولیت کرد. برخی آگاهان سیاسی معتقد بودند که مسئله انتقال شبکه اینترنشنال متعلق به خاندان آل سعود فراتر از یک جابه‌جایی امنیتی بود. واقعیت آن است که لندن شهری ناامن برای تروریست‌ها محسوب نمی‌شود در حال حاضر برخی رهبران گروهک‌های تجزیه‌طلب کردی چون پژاک و کومله در این شهر ساکن بوده و گروهک تروریستی منافقین نیز در لندن دفتر دارد، حتی گروهک تروریستی احوازیه که وابسته به سازمان استخبارات رژیم آل سعود است نیز نه تنها از مزایای امنیتی لندن بهره می‌برند، بلکه برنامه‌های تلویزیونی خود را در همین شهر تهیه و پخش می‌کنند! ازاین‌رو ناامن بودن انگلیس برای تروریست‌های ادعایی نادرست و انحرافی است. به نظر می‌رسد که در پشت پرده جابه‌جایی اخیر ماجراهای دیگری در حال وقوع است. همان زمان برخی منابع امنیتی اعلام کردند که شبکه اینترنشنال به همراه همه کارکنان آن یکجا توسط سعودی‌ها به فردی دیگر فروخته شده و خریدار جدید این شبکه تروریستی را به صورت نیابتی برای سازمان سیا خریده است اما سؤال مهم آن است چرا عربستان شبکه تروریستی خود را فروخت؟ آیا ریاض می‌خواست قبل از مذاکره با مقاممات ایرانی در پکن و اعلام توافق، شبکه ایران اینترنشنال را واگذار کرده باشد تا قدرت چانه زنی ایران را در حین مذاکرات کاهش دهد؟

اسرائیل؛ اسپانسر جدید ایران اینترنشنال

هفته گذشته تلویزیون سعودی ایران اینترنشنال با تبلیغات بسیار خبر از گفت‌وگوی خود با «بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی داد. اینترنشنال بارها با تروریست‌ها مصاحبه گرفته بود، اما همه آن‌ها ایرانی بودند و طبیعی هم بود، چون اینترنشنال به زبان فارسی و برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی ایران تأسیس شده بود اما این بار مقام ارشد اسرائیلی مهمانش بود؛ امری که تاکنون سابقه نداشت. واقعیت این است که مصاحبه پنج شنبه شب ایران اینترنشنال با نتانیاهو بازتاب بسیاری داشت و گرچه در ظاهر مصاحبه با یک چهره سیاسی منتقد جمهوری اسلامی بود، اما این بار این موضوع تفاوت‌هایی با نمونه‌های مشابه داشت. برنامه حضور نتانیاهو در شبکه ایران اینترنشنال درست شبی پخش شد که روز بعد از آن، خبر توافق جدید و از سرگیری روابط ایران و عربستان منتشر شد. ارتباط این خبر با خبر اولیه اینجاست که از عربستان به عنوان مالک و حامی مالی شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال نام برده می‌شد به این ترتیب این احتمال وجود دارد که با ازسرگیری روابط ایران و عربستان، ایران اینترنشنال مهمترین حامی مالی خود را از دست بدهد. به نظر می‌رسد اینترنشنالی‌ها اکنون دنبال جای پای محکمی برای خود می‌گردند که اگر سعودی‌ها پشتشان را خالی کردند، بی پول نمانند البته چاره‌ای هم نداشتند. اروپایی‌ها حاضر به خرج اعتبار بیشتری برایشان نیستند و امریکا هم تا یک مسیری با آن‌ها همراه می‌شود، اما اسرائیل گرچه همیشه طمع و سودای حمله نظامی به ایران دارد، اما نمی‌تواند از شیوه نرم براندازی جمهوری اسلامی و تجزیه ایران هم چشم بپوشد. بنابراین برای براندازان هم چه جای پایی بهتر از تروریست‌های صهیونیست؟ البته فقط هم بحث اینترنشنال نیست؛ «مصی علی‌نژاد» هم که همواره کمپین‌هایی را برای تشدید تحریم علیه ایران و حتی مشروع‌سازی اقدام نظامی علیه ایران راه‌اندازی کرده، چند روز پیش با «گیلعاد آردان» نماینده رژیم صهیونیستی در سازمان ملل دیدار کرد نماینده رژیم صهیونیستی نوشته است که از مصی علی نژاد و امثال او حمایت می‌کند.